

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI Scopus

مركز آموزش آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

واکاوی موضوع انرژی در منطقه اوراسیا (با تاکید بر منافع متقابل ایران و سازمان شانگهای)

۱- میثم پیرزاده شهنانی^۱

۲- محسن پیرزاده شهنانی^۲

چکیده:

تحولات کنونی جهان معاصر، بر اهمیت همکاری کشورها با یکدیگر برای مقابله با تهدیدات مختلف که بسیاری از آن‌ها ماهیت بین‌المللی یافته‌اند، افزوده است. سازمان همکاری شانگهای یکی از سازمان‌های منطقه‌ای نو ظهوری است که رشد قابل توجهی داشته که صاحب نظران آن را شبیه سازمان جنبش عدم تعهد با کارکرد عملی و با تعریف قرن بیست و یک می‌دانند. با نگاهی ژرفی به سازمان همکاری شانگهای در می‌یابیم که این سازمان می‌کوشد جای برجسته‌ای در اوراسیا و معادلات جهانی به دست آورد. یکی از عناصر مورد نیاز سازمان شانگهای و کشورهای عضو آن جهت جهش قدرت در معادلات جهانی دستیابی به منابع مطمئن انرژی متنوع و ارزان است و این در حالی است که کشورهای فاقد انرژی کافی در منطقه، خصوصاً کشورهای دارای اقتصاد بزرگ و رو به رشد چین و هند به نفت و گازی بسیار بیشتر از تولید داخل کشورشان نیاز دارند. از سوی دیگر ایران دارای منابع غنی انرژی یعنی منابع نفت و گاز می‌باشد به گونه‌ای که در زمینه ذخایر نفت مقام سوم جهان و در زمینه منابع گاز نیز در مقام دوم جهان قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران تولید کننده‌ای است که دارای منابع متنوع انرژی در نقاط مختلف قلمرو خود است و در عین آن که کشوری خاورمیانه‌ای و تولید کننده نفت در خلیج فارس است، به حوزه انرژی منطقه اوراسیا نیز متعلق می‌باشد. نظر به این که ایران نقش یک انبار بزرگ انرژی را برای چین و آسیای مرکزی دارد و اهمیتی که این کشور در تامین نفت و گاز برای منطقه دارد، همکاری این کشورها در حوزه انرژی می‌تواند برای طرفین منافع متقابلی به دنبال داشته باشد.

کلمات کلیدی:

سازمان شانگهای، انرژی، اوراسیا

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز فسا

^۲ - کارشناسی ارشد مهندسی فرآیند های نفتی

مقدمه:

ایران دارای منابع غنی انرژی یعنی منابع نفت و گاز می باشد به گونه ای که در زمینه ذخایر نفت مقام سوم جهان و در زمینه منابع گاز نیز در مقام دوم جهان قرار دارد. این در حالی است که کشورهای فاقد انرژی کافی در منطقه، خصوصاً کشورهای دارای اقتصاد بزرگ و رو به رشد چین و هند به نفت و گاز بسیار بیشتر از تولید داخل کشورشان نیاز دارند. چین، پاکستان و هند، در حال حاضر، در میان اقتصادهای دارای رشد سریع در آسیا قرار دارند. بقیه منطقه نیز رشد و توسعه قابل ملاحظه ای را در فعالیت های اقتصادی نشان می دهد. با در برداشتن دو کشور از پر جمعیت ترین کشورهای جهان که در حال توسعه سریع در زمینه فعالیت های اقتصادی نیز می باشند، و اقتصاد های دیگر منطقه که به سرعت در حال پیشرفت می باشد، پیش بینی می شود نیاز کشورهای منطقه به انرژی در چند سال آینده چندین برابر شود. در همین حال، باید اشاره کرد در حالی که کشورهای مصرف کننده انرژی بر متنوع ساختن منابع ورودی انرژی خود به خصوص نفت و گاز تاکید می کنند. جمهوری اسلامی ایران تولید کننده ای است که دارای منابع متنوع انرژی در نقاط مختلف قلمرو خود است و در عین آن که کشوری خاورمیانه ای و تولید کننده نفت در خلیج فارس است، به حوزه انرژی منطقه اوراسیا نیز متعلق می باشد.

سازمان شانگهای:

در پی تغییرات عمیق در سیاست، اقتصاد و امنیت جهانی و مسائل منطقه ای و تحول و منظم و ساختاری که پس از جنگ سرد در روابط بین الملل ایجاد شده است، مناطق به صورت نیروهای مستقل بین المللی در آمده اند که هر یک منافع و ادعاهای مستقل خود را دارا می باشند. جهانی شدن مهمترین علتی است که در ورای آن قرار دارد. کشورها به گونه ای در تضاد با جهانی شدن هستند. آن ها می خواهند در روند جهانی شدن ادغام گردند در حالی که می خواهند این روند را تحت کنترل موثر سیاسی و ارضی خود قرار می دهند. بدین ترتیب فضای منطقه ای و منطقه گرایی، منطقه حائلی را میان کشورها و جهانی شدن قرار می دهد.

در این وضعیت یکی از مهمترین راهکارهای منطقه ای برای تقویت امنیت جمعی و توسعه تعاملات میان بازیگران سیاسی، همگرایی و همکاری های نهادینه شده سازمانی است. سازمان همکاری های شانگهای نیز نمونه یک سازمان منطقه ای نسبتاً موفق بوده است. مقدمه شکل گیری سازمان همکاری شانگهای را باید در گروه شانگهای پنج جستجو کرد. تشکیل این گروه در استمرار روند عادی سازی روابط چین و روسیه بود. تشکیل رسمی این گروه در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۶ شکل گرفت. چون سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شانگهای چین گرد هم آمدند، این گروهی به شانگهای پنج نامیده شد. سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ هر ساله یک نشست برگزار کردند. دومین اجلاس سران در سال

۱۹۹۷ در شهر مسکو در کشور روسیه برگزار شد و سران به توافقات جدیدی در مورد مسائل مشترک دست یافتند. در سومین اجلاس سران در ژوئیه ۱۹۹۸ که در آلماتی قزاقستان برگزار شد، تاکید اصلی بر صلح و ثبات در منطقه بود. چهارمین اجلاس سران در سال ۱۹۹۹ در شهر بیشکک قرقیزستان برگزار شد و گروه بیشکک متشکل از مقامات امنیتی کشورهای عضو تشکیل یافت. در اجلاس پنجم سران شانگهای پنج در سال ۲۰۰۰ که در دوشنبه پایتخت کشور تاجیکستان برگزار گردید، برای اولین بار رئیس جمهور ازبکستان در آن حضور یافت و تقاضای ایران و هند برای عضویت در گروه شانگهای پنج مطرح گردید. ششمین اجلاس سران در ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای برگزار گردید و ازبکستان رسماً به این گروه پیوست و گروه شانگهای پنج به یک نهاد چند جانبه منطقه ای با شش عضو تبدیل شد. از جمله دستاوردهای این جلسه ارائه ترتیباتی برای نظم امنیتی و تشکیل ایجاد نیروی واکنش سریع به پیشنهاد روسیه بود که مرکز آن در قرقیزستان قرار دارد. در این جلسه همچنین در خصوص ساختار موجود و توسعه آن و مسائل مهم منطقه ای و بین المللی و همکاری های اقتصادی و امنیتی بحث و تبادل نظر شد و اسناد مهمی به امضا رسید. این اجلاس به عنوان اولین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای نام گرفت. بدین ترتیب سازمان همکاری شانگهای به طور رسمی از لحاظ حقوق بین الملل در زمره سازمان های شناخته شده و رسمی قرار گرفت. در ژوئن ۲۰۰۵ اجلاس پنجم سران در شهر آستانه پایتخت قزاقستان برگزار شد. در همین اجلاس سه کشور ایران، هند و پاکستان به عضویت ناظر سازمان درآمدند.^(۱)

توانایی های ایران در تولید و انتقال انرژی:

ساختار زمین شناسی در سرتاسر ایران از شمال به جنوب و از غرب به شرق بسیار متنوع است؛ به همین علت گوناگونی منابع طبیعی در ایران بینظیر است که از آن جمله میتوان نفت و گاز و منابع معدنی را نام برد. ایران همواره به عنوان یکی از صادر کننده های اصلی نفت محسوب می شده و می شود. بر اساس آمار ارائه شده ایران با دارا بودن ۱۳۸ میلیارد بشکه نفت، دارای ۱۱/۲ درصد از کل منابع کشف شده نفت جهان است. ایران همچنین با دارا بودن ۹۸۱/۷۵ هزار میلیارد فوت مکعب گاز که معادل ۱۵/۷ درصد از کل منابع گاز جهان است به عنوان دومین کشور دارنده منابع گاز طبیعی شناخته میشود. اما بنا به اظهار نظر وزیر نفت ایران، حجم کل ذخایر نفت ایران در حال حاضر به میزان ۱۵۰،۳ میلیارد بشکه و حجم کل ذخایر گازی به ۳۳،۱ تریلیون متر مکعب رسیده است.^(۲) این مقدار نفت، ایران را از نظر ذخایر در رتبه دوم دارندگان نفت پس از عربستان قرار داده است. ایران هم اکنون از لحاظ تولید نفت نیز رتبه چهارم را در جهان پس از عربستان، روسیه و آمریکا دارا میباشد. در جدول زیر اسامی دوازده کشور برتر دارنده نفت آورده شده است.

جدول شماره ۱: میزان ذخایر نفتی دوازده کشور برتر دنیا

برترین کشورهای دارنده نفت	میزان ذخایر نفتی برحسب میلیارد بشکه نفت	سهم جهانی	تعداد سال توانایی تولید	سهم از تولید
Countries ranked by oil reserves	Oil reserves Thousand million barrels	Share of total	Reserves/Production ratio	share of total production
Saudi Arabia	264.2	21.3%	69.5	12.6%
Iran	138.4	11.2%	86.2	5.4%
Iraq	115.0	9.3%	>100	2.7%
Kuwait	101.5	8.2%	>100	3.3%
United Arab Emirates	97.8	7.9%	91.9	3.5%
Venezuela	87.0	7.0%	91.3	3.4%
Russian Federation	79.4	6.4%	21.8	12.6%
Libya	41.5	3.3%	61.5	2.2%
Kazakhstan	39.8	3.2%	73.2	1.8%
Nigeria	36.2	2.9%	42.1	2.9%
US	29.4	2.4%	11.7	8.0%
Canada	27.7	2.2%	22.9	4.1%

تولید نفت متوسط روزانه ایران هم اکنون رقمی در حدود ۴ میلیون بشکه می‌باشد که ۵/۴ درصد از کل تولید جهانی می‌باشد. با این چنین میزان تولید نفت ایران قادر خواهد بود تا ۸۶ سال نفت صادر کند اگر که مخازن نفتی جدید اکتشاف نشود. همان گونه که بیان شد ایران از نظر ذخایر گازی نیز دارای اهمیت زیادی می‌باشد و دارای رتبه دوم در جهان می‌باشد. اما با این وجود تنها ۳/۸ درصد از کل میزان تولید جهانی گاز را ایران تولید می‌کند.^(۳)

جدول ۲: میزان ذخایر گازی دوازده کشور برتر دنیا

برترین کشورهای دارنده گاز	میزان ذخایر گازی برحسب هزار میلیارد فوت مکعب	سهم جهانی	تعداد سال توانایی تولید	سهم از تولید
Countries ranked by Gas reserves	Gas reserves Thousand trillion cubic feet	Share of total	Reserves/Production ratio	share of total production
Russian Federation	1576.8	25.2%	73.5	20.6%
Iran	981.7	15.7%	>100	3.8%
Qatar	904.1	14.4%	>100	2.0%
Saudi Arabia	253.0	4.0%	94.4	2.6%
United Arab Emirates	215.1	3.4%	>100	1.7%
US	211.1	3.4%	10.9	18.8%
Nigeria	187.0	3.0%	>100	1.2%
Venezuela	181.9	2.9%	>100	1.0%
Algeria	159.4	2.5%	54.4	2.8%
Iraq	111.9	1.8%	>100	
Indonesia	105.9	1.7%	45.0	2.3%
Norway	104.6	1.7%	33.0	3.0%

انتقال انرژی

یکی از پیامدهای مهم بحران آگوست ۲۰۰۸ میلادی در قفقاز (مناقشه اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان) طرح مجدد مساله امنیت انتقال ذخایر عظیم انرژی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز به ویژه حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی است. دور بودن بازار مصرف از منابع تولید و مساله انتقال منابع

یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد انرژی جهان می‌باشد. از این رو به همان اندازه که منابع نفت و گاز حوزه خزر برای بازارهای جهانی مهم جلوه نموده است، در مقابل راه‌های انتقال این منابع نیز بسیار مهم و البته پرچالش نشان داده است. منابع نفت و گاز خزر محصور در خشکی است و جهت صدور به بازارهای مصرف به انتقال انرژی از طریق خطوط لوله کشورهای همسایه نیازمند است. از سویی دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل نوبا بودن و فقر مالی که دارند، نیاز مبرمی به عواید ناشی از صدور این منابع جهت اجرای برنامه‌های توسعه خود دارند. مساله انتقال منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و دریای خزر به دلیل رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر از یک سو و تلاش ایالات متحده برای انزوای ایران و روسیه از سویی دیگر موجب شده است موضوع انرژی از یک بحث صرفاً اقتصادی تبدیل به یک مساله ژئوپلیتیکی و استراتژیکی تبدیل شود.^(۴) در زمان استقلال کشورهای مشترک المنافع در ۱۹۹۱ میلادی، خطوط صادراتی نفت و گاز منطقه در حوزه تحت سیطره روسیه قرار داشت و از آن پس نیز روسی‌ها اقدامات زیادی در جهت نگاهداشت و توسعه این خطوط به عمل آورده است. بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی در مقابل عبور انحصاری خطوط لوله نفت و گاز از روسیه مقاومت کرده‌اند و این نه تنها به دلیل حفظ استقلال بلکه به انگیزه دوری جستن از مناقشات بر سر قیمت‌گذاری و مسائل ارزی بوده است. آذربایجان و قزاقستان با کمک شرکت‌های نفتی غرب خطوط لوله جدیدی به سمت دریای سیاه احداث کرده‌اند که در نهایت دسترسی به بازارهای اروپای شرقی را ممکن می‌سازد. با این همه خطوط جدید کلاً از دسترسی روسیه به دور نیست. حداقل دو خط لوله نفتی از باکو و نیز از حوزه تنگیز در قزاقستان به ترمینال‌های روسی در دریای سیاه منتهی می‌شوند. روسیه قطعاً به اعمال نفوذ خود برای وادار کردن کشورهای آسیای مرکزی به بهره‌گیری از خطوط موجود نفت و گاز متعلق به روسیه ادامه خواهد داد. از سوی دیگر آمریکا از تأسیس یک مسیر ترانزیتی انرژی شرقی - غربی، مشتمل بر یک شبکه از خطوط لوله چندگانه به سمت بازار جهانی با دور زدن ایران و نیز کاهش اتکا به خطوط لوله نفت روسیه حمایت می‌کند. این شبکه مشتمل است بر خط پیشنهادی باکو - جیهان بین آذربایجان و بندر جیهان ترکیه و خط لوله کنسرسیوم خزر (CPC) بین حوزه تنگیز قزاقستان و بندر نوروسیسک روسیه در دریای سیاه و خطوط لوله جدید الاحداث برای نفت روسیه، باکو به سوپسا و نوروسیسک و خط لوله گاز از ترکمنستان به ترکیه. گزینه‌هایی که برای انتقال انرژی آسیای مرکزی مطرح شده، یکی گزینه شمال - شمال غرب؛ که همان مسیر روسیه است که کشورهای منطقه از کنترل روسیه بر بازار صادرات و مسائل ارزی آزرده شدند. گزینه مسیر غرب (پروژه باکو - جیهان)؛ که شرکت‌ها از میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری برای تأمین نفت بازاری که مراحل رشد خود را طی کرده و احتمال رشد بیشتر آن ضعیف است، نگران هستند. گزینه مسیر شرق؛ که بر اساس آن نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق خطوط انتقال لوله طولانی به چین و

نهایتاً به بخش‌های آسیا - پاسیفیک خواهد یافت. در حال حاضر طرح یک خط لوله ۱۸۰۰ مایلی از قزاقستان به چین و یک خط لوله گاز ۴۲۰۰ مایلی از ترکمنستان به شمال چین در حال بررسی است. این مسیر مستقیم‌ترین خط انتقال آسیای مرکزی به خاور دور است اما گران‌ترین راه حل و از نظر جغرافیایی یک گزینه دشوار برای احداث خط لوله به حساب می‌آید. گزینه مسیر جنوب؛ که دو طرح خط لوله یکی به سمت ایران و دیگری به سمت پاکستان و هند از طریق افغانستان در حال بررسی است. ولی تمایل هند به دور زدن پاکستان مشکلات عمده‌ای برای خط پیشنهادی فوق‌الذکر ایجاد کرده است. ایران در تعیین آینده آسیای مرکزی به عنوان یک تأمین‌کننده انرژی نقشی یگانه ایفا می‌کند. ایران تنها صادرکننده نفت خاورمیانه و عضو اوپک است که هم‌مرز با آسیای مرکزی است. آسیای مرکزی برای دسترسی به خلیج فارس و نهایتاً آسیا - پاسیفیک می‌بایست خطوط لوله خود را در خاک ایران احداث کند. کارشناسان اقتصادی، مسیر ایران را برای انتقال انرژی منطقه به بازارهای جهانی به صرفه، امن، مهم و قابل توجه می‌دانند.^(۵) با توجه به توضیحات فوق، به صورت قاطع می‌توان گفت که مهم‌ترین این مسیرها، مسیر جنوبی است که در این مسیر پیشنهادی، انتقال انرژی از طریق مسیر ایران صورت می‌پذیرد. این خطوط می‌تواند منابع انرژی دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز را به بازارهای خلیج فارس و دریای عمان و از آن جا به بازارهای جهانی برساند. به طور کلی مسیر جنوبی انتقال نفت و گاز خزر از طریق ایران با توجه به سه عامل امنیت، طول مسیر و هزینه کم، سرمایه‌گذاری در این مسیر را جهت احداث خط لوله و حق ترانزیت، نسبت به مسیرهای شمالی، شرقی و غربی جذاب تر و باصرفه تر کرده است. ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای محصور در خشکی شمال‌آرژانی می‌دارد. این مسیر ارتباطی کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر را به آن بخش از جهان که تقاضای آینده‌شان برای انرژی به صورت مداوم رشد دارد، فراهم می‌کند.^(۶) ایران نیروی انسانی ماهر در فن‌آوری نفتی، یک سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه یافته و نیز زیرساخت‌های کشتیرانی را داراست. ایران همچنین بنادر، پالایشگاه‌ها و شبکه‌های شایان توجهی از لوله نفت و گاز را در اختیار دارد که مزیت‌های لجستیکی و فن‌آوری قابل ملاحظه‌ای را برای صادرکنندگان نفت و گاز خزر فراهم می‌نماید. این انتقال می‌تواند هم از طریق لوله‌های نفتی صورت گیرد و یا اینکه به گونه‌ی معاوضه (Swap) (یعنی مصرف نفت صادراتی خزر در داخل ایران و صدور میزان مشابه از نفت ایران در جنوب به خریداران نفت صادرکنندگان خزر در جهان) صورت گیرد. اما علی‌رغم تأیید این نکته از سوی بسیاری از کارشناسان نفت و گاز که مسیر ایران مطمئن‌ترین و ارزان‌ترین گزینه است، فشارها و مخالفت‌های ایالات متحده مانع از ایجاد چنین خطوط لوله‌ای شده است. علاوه بر خطوط انتقال نفت، راه‌های صادرات گاز طبیعی در منطقه دریای خزر نیز با فشار سیاسی ایالات

متحده در راستی انزوای ایران از یک سو و نیز سیاست‌های فدراسیون روسیه با هدف حفظ و تداوم سلطه سنتی خود بر کشورهای منطقه از مسیری غیر از ایران عبور می‌کند.

ایران و سازمان شانگهای:

جغرافیای سرزمینی ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی از موقعیت بسیار ممتاز و شرایط متنوعی برخوردار است چرا که از یک سو به دریای خزر مرتبط است و از طریق آن به آب‌های آزاد و اروپا متصل می‌باشد و از سوی دیگر بر شاهراه حیاتی جهان یعنی خلیج فارس و تنگه هرمز تسلط دارد و آسان‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال انرژی آسیای مرکزی به خلیج فارس است که این مهم از نگاه تیزبینانه چین و روسیه دور نمانده است. ایران به لحاظ نزدیکی جغرافیایی به حوزه انرژی خزر بهترین شرایط را برای احیا و بازسازی صنایع نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و صدور آن از طریق سواحل جنوبی به دنیای پیرامون دارد. (۷) اگر چه تنها ۳ درصد از نیازهای نفتی جهان از خزر تامین می‌شود اما به دلیل نیاز شدید بازارهای جهانی به انرژی این ایران است که می‌تواند شرایط لازم را برای انتقال ارزان و ایمن انرژی این منطقه فراهم کند. زیرا با توجه به امنیت کاملی که در ایران وجود دارد و نیز به دلیل اتصال ایران به خلیج فارس و دریاهای آزاد و همچنین نبود موانع طبیعی و استعداد و امکانات بالا در صنایع نفتی، ایران بهترین مسیری است که می‌تواند مواد هیدروکربنی این مناطق را از طریق خطوط لوله انتقال دهد. همچنین برای سازمان همکاری شانگهای نیز این امکان وجود دارد تا از آسیای جنوبی به آسیای مرکزی و سپس به خلیج فارس گسترش یافته و تبدیل به یک سازمان اقتصادی و امنیتی جهانی شود. از سوی دیگر می‌توان به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در زمینه راه‌های خشکی نیز اشاره نمود. مسیر جاده ابریشم که دوباره مورد توجه خاص کشورهای منطقه قرار گرفته از اهمیت خاصی برای این کشورها و حتی سازمان شانگهای برخوردار است. این مسیر زمینی می‌تواند کشورهای منطقه را که در یک محصوره خشکی قرار گرفته‌اند از طریق خاک ایران به ترکیه و متعاقباً به اروپا متصل کند. راهی که هم ایمن و هم کم‌هزینه به نظر می‌رسد. (۸)

بنابراین تنوع در عرضه از سوی ایران و تنوع تقاضا از سوی مهم‌وبزرگ سازمان مانند چین و هندوستان، از جمله نقاط تقویت همکاری‌های انرژی در داخل سازمان به شمار می‌آید. و ایران می‌تواند به مرکز فعالیت انرژی برای چین و روسیه تبدیل شود. تهیه نفت و گاز از ایران این دو غول اقتصادی منطقه (چین و هند) را قادر می‌سازد نیاز انرژی خود را برآورده سازند. نظر به این که ایران نقش یک انبار بزرگ انرژی را برای چین و آسیای مرکزی دارد و اهمیتی که این کشور در تامین نفت و گاز برای منطقه دارد، سازمان مذکور و بالاخص چین و روسیه باید حمایت از ایران را

که دارای ذخایر عظیم انرژی در منطقه و دومین عرضه کننده تولیدات انرژی به چین محسوب می گردد، در دستور کار خود قرار دهند. اگر چین و روسیه گامی در جهت حمایت های همه جانبه از ایران بر ندارند و در صحنه بین المللی ایران را به حال خود رها کنند، این به معنای از دست دادن منابع انرژی در خلیج فارس و خاور میانه خواهد بود که مسلماً این امر یک اشتباه استراتژیک از سوی این دو کشور می باشد. ^(۹) از سوی دیگر چین به عنوان نماد و سمبل اقتصادی سازمان شانگهای و برای استمرار رشد اقتصادی خویش نیاز فوق العاده مهمی به این انرژی دارد. و در میان کشورهای آسیایی چین با داشتن بالاترین میزان مصرف و نرخ رشد مصرف و نیز برخورداری از سریع ترین رشد اقتصادی، نگرانی های جدی تری در خصوص تضمین جریان انرژی مورد نیاز اقتصاد خود دارد زیرا دست یابی به منابع مطمئن انرژی، عاملی اساسی در تضمین تداوم مدرنیزاسیون به مثابه انتخاب استراتژیک چین است. رشد سریع اقتصادی چین باعث شد تا این کشور در سال ۱۹۹۳ با وجود آنکه پنجمین تولیدکننده نفت در جهان به شمار می رفت، به صف وارد کنندگان انرژی بپیوندد. یک دهه پس از آن نرخ رشد بالای مصرف انرژی در چین موجب گردید تا این کشور در سال ۲۰۰۳ با پیشی گرفتن از ژاپن به دومین مصرف کننده نفت در جهان تبدیل شود. بر مبنای آمارها از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳، مصرف نفت چین ۹۰ درصد رشد داشته است. ^(۱۰) بنا به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، براساس آمار جدید آژانس بین المللی انرژی، چین در حال حاضر (۲۰۱۰) بزرگترین مصرف کننده انرژی در جهان است که این مسئله بازتابی از ده ها سال رشد اقتصادی و نفوذ روز افزون چین به عنوان غول صنعتی جهان می باشد. ^(۱۱) هم اکنون بیش از نیمی از نفت مورد نیاز چین از منطقه خاور میانه و عمدتاً از سوی عربستان و ایران تامین می شود. چین برای تامین انرژی مورد نیاز خود طی سال های آینده باید حضور و جایگاه خود را در منطقه خاور میانه تثبیت کند. این امر آسیب پذیری چین را نسبت به هرگونه تحریم اقتصادی ایران که موجب اختلال در صدور نفت ایران و به طور وسیع تر جریان نفت از منطقه خلیج فارس شود، به خوبی نشان می دهد. از این رو تأمین ثبات در منطقه خلیج فارس برای تداوم عرضه انرژی به چین بسیار جدی است. چین در برنامه های بلند مدت نیز طرح هایی را برای همکاری های گسترده با ایران جهت واردات گاز و همچنین فعالیت در زمینه اکتشاف، استخراج، خطوط لوله و پتروشیمی در دستور کار دارد. در اواسط فوریه ۲۰۰۶ در حالی که برنامه هسته ای ایران در مرکز توجه بین المللی قرار داشت، ایران و چین به انعقاد موافقتنامه ای در زمینه انرژی پرداختند که به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ می شود. میزان واردات نفت چین از ایران نیز در نوامبر ۲۰۱۰ به ۲۴۱۸ هزار تن رسیده است و در ۱۱ ماه نخست ۲۰۱۰ چین بیش از ۱۹۵۹۲،۵ هزار تن نفت از ایران وارد کرده است. ایران پس از عربستان و آنگولا، سومین تامین کننده نفت مورد نیاز چین طی این مدت بوده است و در مجموع ۹ درصد نفت مورد نیاز چین طی این مدت را تامین کرده است. ^(۱۲)

از سوی دیگر یکی از برنامه‌های سازمان شانگهای تاسیس باشگاه انرژی می‌باشد. بی‌تردید تاسیس این باشگاه توسط سازمان می‌تواند در افزایش سود و منافع متقابل مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان درون سازمان بیفزاید. اگر سازمان بخواهد این برنامه خود را عملی سازد به حضور ایران نیاز مبرمی دارد چرا که همان‌گونه که بیان شد، ایران دارای مقام سوم در ذخایر نفتی و مقام دوم در ذخایر گازی جهان است و این خود به روشنی نقش و اهمیت ایران را در شکل‌گیری احتمالی و تثبیت این باشگاه بیان می‌کند. (۱۳)

نتیجه‌گیری:

پیوستن ایران به سازمان شانگهای منافع متقابل و دو جانبه‌ای را برای ایران و سازمان در پی خواهد داشت. از یک سو سازمان همکاری اقتصادی شانگهای در صورتی می‌تواند آینده‌ای روشن در پیش روی داشته باشد که نسبت به بالانس قدرت در دنیا کمک کرده و هژمونی آمریکا را در منطقه تعدیل کند. ایران می‌تواند با حضور در این سازمان؛ پتانسیل رقابت را در منطقه بالا برده و به سازمان شانگهای در راستای تحقق این هدفش کمک شایانی کند. ایران با همکاری چین و روسیه می‌تواند بسیاری از زمینه‌های همکاری منطقه‌ای را در حوزه‌های انرژی، تجارت و ترانزیت کالا که تا به حال به خاطر خلاء قدرت در سازمان‌های منطقه‌ای دیگر عملی نشده است، به واقعیت تبدیل کند. در واقع، دور بودن بازار مصرف از منابع تولید و مساله انتقال منابع انرژی یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد انرژی جهان می‌باشد. از این رو به همان اندازه که منابع نفت و گاز حوزه خلیج فارس و دریای خزر برای بازارهای جهانی مهم جلوه نموده است، در مقابل راه‌های انتقال این منابع نیز بسیار مهم و البته پرچالش نشان داده است. مساله انتقال منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و دریای خزر به دلیل رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر از یک سو و تلاش ایالات متحده برای انزوای ایران و روسیه از سوی دیگر موجب شده است موضوع انرژی از یک بحث صرفاً اقتصادی تبدیل به یک مساله ژئوپلیتیکی و استراتژیکی تبدیل شود. در این زمینه ایران دارای پتانسیل و نقش بسیار مهمی می‌باشد؛ این پتانسیل از آن جهت است که روسیه و چین و دیگر کشورهای حوزه آسیای میانه و قفقاز را با خلیج فارس و شاهراه‌های عمده بین‌المللی متصل می‌کند. اهمیت استراتژیکی موقعیت ایران در این است که ایران در قلب ۷۵٪ مجموع ذخایر انرژی جهان (میان حوزه‌های عظیم انرژی خلیج فارس، دریای عمان و دریاچه خزر) قرار دارد. و تنها محور مستقیم و بی‌واسطه میان این دو حوزه انرژی است. بدون تردید کمتر کشوری در جهان از چنین موقعیت ممتاز، حساس و منحصر به فرد ژئوپلیتیکی به لحاظ انتقال انرژی به شریانهای اقتصاد جهان برخوردار است. از سوی دیگر ایران نیز با پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای از مزایای بسیاری برخوردار خواهد شد. با توجه به محدودیتهایی که اتحادیه اروپا در روابط خود با سایر

کشورها بویژه ایران قایل است و همواره مناسبات ایران با اتحادیه اروپا بر اثر ملاحظات سیاسی به تیرگی می‌گراید، عضویت ایران در سازمان شانگهای مزیت بزرگی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. گره زدن منافع امنیتی ایران در این سازمان ضمن دستاورد اقتصادی در دراز مدت ظرفیت بزرگتری برای مقابله با چالشهایی مانند تروریسم، تولید و قاچاق مواد مخدر و تحرکات تجزیه طلبانه که از خارج هدایت می‌شود ایجاد می‌شود. اما مهمترین منفعت ایران از همکاری با سازمان شانگهای را با توجه به مسایل کنونی جهان باید در ابعاد اقتصادی جستجو نمود. با توجه به اینکه ایران اکنون در شرایط سخت تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است، همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای عضو شانگهای می‌تواند در خروج ایران از این شرایط کمک بسیار زیادی نماید. در چند سال اخیر سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در ایران رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است به طوری که از مجموع ۷۰ میلیارد دلار قراردادهای در دست انجام صنعت نفت و گاز ایران، نزدیک به نیمی از رقم قراردادها را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که تا سال ۲۰۰۷ میلادی، شرکت‌های اروپایی بیشترین سهم را در حجم قراردادهای صنعت نفت و گاز ایران داشته‌اند. قبل از روی کار آمدن دولت نهم، شرکت‌هایی همچون توتال، رپسول، انی، اینپکس ژاپن و آجیپ در حوزه‌های پارس جنوبی و مناطق نفت خیز جنوب فعال بودند اما در چند سال اخیر تحت تاثیر مناسبات سیاسی، اکثر این شرکت‌ها، قراردادهای خود را به حالت تعلیق درآوردند و برخی نیز از ادامه حضور خود در ایران انصراف دادند.

چین که از اهمیت و جایگاه اقتصادی ایران در زمینه انرژی در جهان آگاه می‌باشد و می‌داند که با نزدیک شدن روابطش با ایران، می‌تواند نیازهای خود در زمینه انرژی را برطرف کند، سعی کرده است از این فرصت مناسب به دست آمده نهایت استفاده را بکند و با سرمایه‌گذاری‌های عظیم در حوزه نفت و گاز ایران، حضوری گسترده تری در این زمینه داشته باشد و اختیار عمل را نسبت به کشورهای اروپایی به دست گیرد.

منابع:

1-Xeyu, wang. (2004). "New Regionalism-Briding state and Globalization", World Economics and Polotic, p.36

۲- فیاضی، محسن، "رقابت پیرامون انرژی در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۰

۳- بررسی ذخایر انرژی جهان از نظر بی‌پی، پایگاه اینترنتی بی پی

مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مهندسی فرآیند، پالایش و پتروشیمی

۷ خرداد ۱۳۹۴، ایران، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

مجری: اهم اندیشان انرژی کیمیا ۸۸۶۷۱۶۷۶ - ۰۲۱

www.Processconf.ir

۴- هندی، شهریار، سیاست خارجی ایران و فرصت‌های تراتزیت انرژی در منطقه، تهران؛ دفتر معاونت امور انرژی وزارت نیرو، ۱۳۸۷

۵- امامی، محمدعلی، عوامل تاثیرگذار در خلیج فارس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۰

۶- اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، صفحه ۵۶

۷- عزتی، عزت اله، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶، صفحه ۶۹

۸- معینی جزئی، رضا، "کریدور شمال جنوب؛ فرصت سازی برای آینده"، نشریه دنیای اقتصاد، بهمن ۱۳۸۷

۹- فیاضی، محسن، "رقابت پیرامون انرژی در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۸۸

10- leveret and Baddeer.(2008).”Managing China Us. Energy Competition in Meddle East”, the Washington quarterly,p.89

۱۱- تبریزی، حسین مهدی، "استراتژی امنیت ملی چین و تاثیر آن بر مسائل امنیتی منطقه آسیای شرقی"، کتاب آسیا، شماره ۶، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۹

۱۲- خبرگزاری فراسو، تیر ۱۳۸۹

۱۳- واعظی، محمود، "تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران"، فصلنامه مطالعات آسیای میانه و قفقاز، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۷



SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو